

۵- نقش مشوقهای صادراتی در صادرات برزیل



ساختار کالانی صادرات برزیل و
 تاثیر مشوقهای صادراتی به آنها

بخش صادرات برزیل پس از جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۶۰ دچار رکود گردید. علاوه بر کاهش بهای قهوه - عمده ترین صادرات برزیل - و نیز ورود سایر کشورهای در حال توسعه به جرگه صادرکنندگان مواد

اولیه که در رکود بخش صادرات و کاهش سهم برزیل در صادرات جهانی موثر بودند، سیاستهای اقتصادی - تجاری دولت نیز سهم عمده ای در این میان داشته است. تا قبل از سال ۱۹۶۴، روش "مازاد قابل صدور" (۱) "مانعی اساسی بر علیه صادرات بسیاری از کالاها بشمار می رفت. این روش مبتنی بر ممنوعیت صادرات برخی اقلام تولیدی خاص قبیل از آنکه با زار مصرف داخلی آنها اشباع گردید بود. اثر این سیاست همراه با تثبیت قیمت های داخلی تولیدات کشاورزی در سطحی پائین، سبب کاهش صادرات و حمایت از مصرف داخلی این کالاها گردید.

بسیاری از محصولات غیر سنتی کشاورزی مانند ذرت و برنج مشمول این سیاست شدند و به همین دلیل صادرات تولیدات غیر سنتی از رشد منقعی متوسط سالانه ۱/۵ درصد طی دوره ۱۹۴۶-۶۴ برخوردار گردید. پیش از شروع مرحله گسترش صادرات در برزیل، تولیدات سنتی، بیشترین سهم را در صادرات کشور داشت. در سال ۱۹۶۰ سهم تولیدات سنتی در صادرات ۷۹/۳ درصد بود. در حالی که تولیدات غیر سنتی ۱۳/۵ درصد از صادرات را تشکیل می داده است. (۲)

(۱): Exportable Surplus

(۲): Tyler, Op. Cit., P. 129

(۱) صادرات سنتی برزیل عمده‌اش شامل مواد اولیه مانند قهوه و بخش عظیمی از صادرات غیرسنتی، "تولیدات متکی بر صنایع طبیعی" (۲) داخلی بود.

در گروه صادرات تولیدات غیرسنتی، تنها بخشهایی چون تصفیه شکر، کاکائو، شکلات و تولیدات چوبی بیش از یکصد میلیون دلار درآمد صادراتی داشتند. این سه شاخه صنعتی به تنهایی ۶۲ درصد از کل صادرات صنعتی را تشکیل می‌دادند. پس از این گروه چربیه‌ها و روغنهای نباتی، گوشت، غلات و ترکیبات اساسی شیمیایی شامل الکل اتیلیک و منتول (که منابع سرشار طبیعی در برزیل نقش اساسی در تولید آنها داشت) مهمترین صادرات غیرسنتی کشور بشمار می‌آمدند. از این رودر اوایل دهه ۱۹۶۰ تولیدات صنعتی متکی بر منابع طبیعی داخلی ۹۶ درصد از صادرات غیرسنتی برزیل را تشکیل می‌داد. (۳)

از اواسط دهه ۱۹۶۰ با تکمیل استراتژی جانشینی واردات در بسیاری از صنایع، صادرات تولیدات صنعتی از رشد سریعی برخوردار گردید. در دهه ۱۹۶۰ علاوه بر منسوجات، صادرات اتوموبیل، ماشین‌آلات غیربرقی و ماشین‌آلات صنعتی نیز آغاز گردید. طی دهه ۱۹۷۰ صادرات صنایع شیمیایی، آهن و فولاد، سنگهای معدنی غیرفلزی، تولیدات فلزی، ماشین‌آلات غیربرقی و وسائط نقلیه بانرخی معادل ۲۶ درصد و سریعتر از متوسط نرخ رشد تولیدات صنعتی که ۸/۶ درصد بود، افزایش یافت. از این رو طی دهه ۱۹۶۰ ساختار کالایی صادرات برزیل تغییر اساسی نمود و در دهه ۱۹۷۰ نیز این تغییر ساختار رتوأم با گسترده‌تر شدن دامنه و تعدد کالاهای صادراتی، تداوم یافت. سهم تولیدات سنتی از کل صادرات از ۸۴ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۵۲/۸ درصد در سال ۱۹۷۰ کاهش یافته است. در مقابل سهم تولیدات غیرسنتی و کالاهای صنعتی از ۱۴/۸ درصد

(۱): در سال ۱۹۶۰، قهوه ۵۶/۲ درصد از صادرات برزیل را تشکیل می‌داد.

(۲): Natural resource based products.

(۳): From Import Substitution to Exports, Economic Development & Cultural Change (U.S.A.: University of Chicago Press, 1986) Vol. 34, No. 3

در سال ۱۹۵۰ به ۳۷/۳ درصد در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت. (۱)

علی رغم افزایش چشمگیر صادرات صنعتی دربرزیریل طی دهه ۱۹۷۰ بررسیهای بعمل آمده نشان دهنده عدم ارتباط مستقیم سیاستهای تشویقی دولت و افزایش صادرات می باشد. براساس جدول شماره (۱)، طی این دهه تولیدات صنایع کفش و پوشاک از رشد و ارزش بالایی صادراتی برخوردار بودند، در حالی که سیاستهای موجود علیه صادرات آنها بوده است. صنایع برخوردار از رشد بالا ارزش پائین صادرات شامل صنایع توأم با "سیاستهای ضد صادراتی" (۲) مانند چرم و پلاستیک و منسوجات و صنایع توأم با تبعیضات ناچیز علیه صادرات (۳) مانند صنایع هواپیما و وسایل نقلیه راه آهن و نیزیک صنعت مواجه با مشوقهای نسبتاً کم صادراتی (۴) مانند ماشین آلات برقی بوده اند.

در دو گروه دیگر صادرات، برخی صنایع، همراه با رشد کم و ارزش بالای صادرات از قبیل: شیشه آلات، روغن و چربیها و سایر مواد غذایی با اعمال سیاستهای شدیداً "ضد صادراتی" رو بر بوده اند و در مقابل صادرات انواع دارو، ماشین آلات صنعتی، آهن و فولاد و ترکیبات اصلی شیمیایی که مواجه با سیاستهای نه چندان قوی بر ضد صادرات بودند، بعضاً "از ارزش بالای صادراتی برخوردار بوده اند.

مطالعات بر روی نرخهای حمایتی موثر و نرخهای مشوقهای صادراتی نشان می دهد که در سال ۱۹۷۷ از ۵۸ رشته صنعتی، در مورد ۵۱ رشته سیاستهای ضد صادراتی بطور شدید و یا نسبی اعمال می گردیده است،

(۱)- Tyler, Op.Cit., P.126.

(۲)- Anti export bias

(۳)- Low anti export bias

(۴)- Small pro export bias

تولیدات صنعتی	سیاستهای صادراتی	گروه تولیدات صنعتی
اتوموبیل و قطعات پوناگ رادیو و تلوویزیون و وسایل ارتباط جمعی کفش کتبی سازی فرآوردههای تکمیلشده نفت هواپیما	سیاستهای شدیداً ضد صادراتی سیاستهای شدیداً شوق صادراتی	I (رشد بالا - ارزش بالای صادرات very high anti export bias very high pro export bias
ماشین آلات کشاورزی ابزارآلات علمی و تخصصی تولیدات چرمی وسایل نقلیه راه آهن منسوجات طناب و ریسمان ابزار برقی ماشین آلات برقی تولیدات فلزی لنتیک اتوموبیل و تصویب رزینهای مصنوعی و پلاستیک	سیاستهای اندکی ضد صادراتی سیاستهای شدیداً ضد صادراتی شوقهای نسبتاً کم صادراتی	II (رشد بالا - ارزش کم صادرات small pro export bias
فلزات غیرآهنی سایر کالاهای ساخته شده ماشین ابزار داروجات ماهی و فرآوردهها تنه آلات	سیاستهای اندکی ضد صادراتی	III (رشد کم - ارزش کم صادرات
روغن و چربی میوه و میوهجات خمیر کاکاو و شکلات سایر مواد غذایی سایر ماشین آلات غیر برقی ماشین آلات صنعتی کاکائو و شکلات چرم آهن و فولاد ماشین آلات اداری سایر تولیدات شیمیایی ترکیبات اصلی شیمیایی	سیاستهای شدیداً ضد صادراتی سیاستهای اندکی ضد صادراتی شوقهای نسبتاً کم صادراتی	IV (رشد کم - ارزش بالای صادرات low anti export bias

جدول شماره (۲۱) - صادرات برزیل بر حسب گروه‌های کالایی (ارقام بر حسب دوره ارزش)

سال	کل صادرات (میلیون دلار)		مواد غذایی		فهره	مواد خام کشاورزی		مواد شوخی		سنگهای معدنی و فلزات		کالاهای ساخته شده		مواد شیمیایی			
	کلی	مواد غذایی	مواد خام کشاورزی	مواد شوخی		سنگهای معدنی و فلزات	کالاهای ساخته شده	مواد شیمیایی	کل	غیربرقی	برقی	حمل و نقل	سایر کالاهای ساخته شده				
۱۹۶۵	۱۵۹۵/۵	۶۷/۳۴	۱۵/۳۳	۰	۱۱/۷۶	۴/۹۸	۰/۹۱	۱/۸۱	۱/۰۴	۰/۲۹	۰/۲۶	۱/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۲۶
۱۹۷۰	۲۷۳۸/۷	۶۳/۳۵	۱۱/۹۰	۰/۸۵	۱۳/۶۸	۹/۶۶	۱/۳۱	۲/۵۵	۲/۳۳	۰/۶۸	۰/۵۳	۲/۳۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳
۱۹۷۵	۸۶۶۹/۵	۵۴/۰۸	۳/۸۹	۲/۳۲	۱۴/۳۴	۲۳/۳۱	۲/۱۴	۱۰/۳۳	۴/۹۱	۱/۹۸	۳/۴۴	۱/۹۸	۳/۴۴	۱/۹۸	۳/۴۴	۱/۹۸	۳/۴۴
۱۹۸۰	۲۰۱۳۲	۴۶/۲۶	۳/۹۶	۱/۷۸	۱۳/۹۹	۳۲/۸۳	۳/۵۹	۱۶/۸۵	۷/۷۰	۲/۴۹	۶/۶۷	۲/۴۹	۶/۶۷	۲/۴۹	۶/۶۷	۲/۴۹	۶/۶۷
۱۹۸۵	۲۵۵۹۲/۱	۳۶/۸۴	۲/۶۱	۶/۳۵	۱۷/۹	۲۵/۳۷	۴/۵۱	۱۵/۲۳	۶/۲۲	۲/۴۳	۶/۲۲	۲/۴۳	۶/۲۲	۲/۴۳	۶/۲۲	۲/۴۳	۶/۲۲

منبع: UNCTAD, Handbook of International Trade & Development Statistics (New York: U.N. Publications, 1984-87).

صنعتی بوده است. و در این میان بیش از $\frac{1}{3}$ صادرات تنها به کشور ایالات متحده آمریکا صورت گرفته است.

نقش کلیدی ایالات متحده در تجارت برزیل حائز اهمیت است زیرا بارها این کشور با اعمال مقررات حمایتی و ممنوعیت خرید تولیدات برزیل و یا بستن عوارض گمرکی بر واردات از این کشور، موانع زیادی برای صادرات برزیل و تیزتر از پرداختهای این کشور بوجود آورده است. این موانع غالباً "در زمینه صادرات فولاد، مواد شیمیایی و منسوجات برزیل صورت گرفته است. بعنوان مثال، در سال ۱۹۸۴ آمریکا ۸۴ تا ۱۰۰ درصد بر ارزش واردات ورقه‌های فولاد برزیل عوارض وضع نمود. پس از آمریکا، کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، بیشترین سهم را در دریافت صادرات برزیل برعهده دارند. در سال ۱۹۸۵ این کشورها ۲۶/۹۰ درصد صادرات برزیل را دریافت داشته‌اند. سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات برزیل در چند دهه اخیر دائماً افزایش یافته است. در سال ۱۹۶۵، این کشورها تنها ۱۳/۲ درصد صادرات برزیل را دریافت داشته‌اند در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۲۶/۳ درصد و در سال ۱۹۸۶ به ۳۱/۶ درصد افزایش یافته است. در این گروه، کشورهای آمریکا، لاتین بیشترین سهم را در صادرات برزیل داشته‌اند. در سال ۱۹۸۵ این کشورها، ۹/۷ درصد و در سال ۱۹۸۶، ۱۲/۲ درصد صادرات برزیل را دریافت داشته‌اند. علی‌رغم وجود اتحادیه‌های تجاری میان کشورهای آمریکا، لاتین و مزیت‌های منطقه‌ای ناشی از تجارت میان این کشورها، سهم کشورهای آمریکا، لاتین در صادرات برزیل طی دوده اخیر تغییر چندانی ننموده است. مهمترین دلایل این امر را می‌توان، اولاً "فقدان بازارهای مصرفی کافی در داخل

جدول شماره (۲) - توزیع جغرافیایی صادرات موزیل (ارزاق به دسته ارزش)

کشورهای در حال توسعه				کشورهای توسعه یافته				مجموع (میلیون دلار)	سال				
آسیای غربی	آریپا	آمریکای لاتین	اوسک	کلی	آسیا	اروپای شرقی	ژاپن						
۵/۵	۱/۶	۱۱/۷	۱/۳	۱۷/۱	-	۲/۵	۵/۳	۲۶/۲	۳۹/۷	۴۵/۵	۷۷/۸	۲۷۳۸/۷	۱۹۷۰
۵	۲/۳	۱۵/۸	۷/۹	۲۷/۱	۵/۸	۸/۸	۷/۸	۱۷	۳۲/۹	۳۶/۱	۶۲/۲	۸۶۴/۵	۱۹۷۵
۲/۲	۶	۱۸/۱	۷/۵	۳۲/۵	۵/۲	۶/۵	۶/۱	۱۸/۶	۳۵/۵	۳۳/۲	۵۹/۳	۲۰۱۲۲	۱۹۸۰
۵	۷/۷	۹/۷	۱۰/۳	۲۶/۳	۲/۲	۴	۵/۵	۲۸/۸	۲۶/۹	۲۹/۵	۶۲/۹	۲۵۵۴۲/۱	۱۹۸۵
۶/۱	۲/۳	۱۲/۲	-	۳۱/۶	۷/۲		-	-	-	-	۶۲/۸	۲۶۷۵۳	۱۹۸۶

منابع: UNCTAD, Handbook of International Trade & Development Statistics (New York: U.N Publication, 1987).

و آمار موزیل به سال ۱۹۸۶ ارضاف: IMF, Direction of Trade Statistics Yearbook (New York: IMF Publications, 1987).

سایر کشورهای امریکای لاتین (بجز آرژانتین) که ناشی از جمعیت کم و درآمد سرانه پایین آنهاست و ثانیا " اختلافات سیاسی میان برزیل و برخی از این کشورها که ریشه طولانی دارد دانست .

سهم کشورهای سوسیالیستی در تجارت برزیل همواره بسیار کم بوده است . در سال ۱۹۸۵ این کشورها ۲/۲ درصد از صادرات برزیل را دریافت داشته اند در حالی که در سال ۱۹۸۶ سهم آنها به ۲/۲ درصد از صادرات کاهش یافته است .

نتیجه گیری :

oooooooooooo

بررسی عملکرد سیاستهای جانشینی واردات و بدنبال آن جهت گیری های گسترش صادرات در برزیل نشان می دهد که این سیاستها اگرچه توانسته است رشد چشمگیر و دامنه گسترده ای از صنایع را برای این کشور به همراه آورد اما قادر نبوده است تا کشور را به هدف اولیه ، یعنی رشد با ثبات و خود اتکایی در تولید ، برساند . استفاده از سرمایه های کلان خارجی در بسیاری از زمینه های صنعتی ، انتخاب صنایع سرمایه بر در روند جانشینی واردات و بحران بدهی های خارجی ، همگی نشانه ایسن واقعیت است که برزیل در انتخاب الگوی توسعه صنعتی خویش بجای استفاده مطلوب از امکانات و نیروهای داخلی برپویائیهای خارجی تکیه کرده و اقتصاد خویش را هرچه بیشتر به نظام اقتصاد بین الملل وابسته نموده است . وابستگی صنایع به سرمایه های خارجی و حجم بدهی های خارجی در این کشور به گونه ای عمیق است که هرگونه نیاز به بهبود تراز پرداختها در هنگام مواجهه با بحرانها ، تنها از طریق کاهش واردات میسر می گردد ، در حالی که با ساختار فعلی وارداتی کشور که در پی

استراتژی جانشینی واردات بسوی کالاهای سرمایه‌بر با تکنولوژی پیچیده و نیز مواد سوختی تغییر جهت یافته است، کاهش واردات به منزله کاهش رشد صنایع و به عبارتی رکود می‌باشد، آنچنان که در اوایل دهه ۱۹۸۰ در این کشور رخ داده است.

جهت‌گیری‌های صادراتی از اواسط دهه ۱۹۶۰ پیش از آنکه یک تغییر استراتژی توسعه‌زسوی دولت باشد، نتیجه تکمیل روند جانشینی واردات در بسیاری از صنایع برزیل و مواجه شدن با محدودیت‌های آن بوده است. گرچه دولت سیاست‌های مختلفی در جهت گسترش صادرات اعمال نموده است اما مطالعات بعمل آمده نشان می‌دهد که این مشوقها اثرات چندانی بر افزایش صادرات صنعتی کشور نداشته است.

تأثیر بسیاری از این سیاستها بر افزایش صادرات، به دلیل مشکلات اداری و بوروکراسی حاکم - که از جمله مختصات کشورهای در حال توسعه بشمار می‌رود - و نیز با صرفه‌بودن تولید برای بازار داخلی، بسیار کم بوده است. رشد صادرات برزیل از اواسط دهه ۱۹۶۰ عمده‌اً از افزایش میزان تقاضای خارجی و نیز افزایش و تنوع کالاهای صادراتی ناشی گردیده است.

نقش کلیدی کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری، بخصوص ایالات متحده آمریکا، در صادرات برزیل سبب گردیده تا در سالهای اخیر با افزایش مقررات حمایتی این کشورها و بستن عوارض بر واردات از این کشور مشکلات زیادی در بخش صادرات برزیل بوجود آید.

در مجموع برزیل را می‌توان بعنوان یک تجربه رشد نسبتاً موفق اما ضربه‌پذیر در میان کشورهای در حال توسعه بشمار آورد. دستاوردی که این تجربه برای کشورهای در حال توسعه جهان امروز

می‌تواند دربرداشته باشد آن است که سیاست جانشینی واردات و یا
گسترش صادرات در صورتی می‌تواند به رشد با ثبات منجر گردد که
در الگوی توسعه کشور، تکیه بر امکانات داخلی لحاظ و سعی بر
" درونزا " نمودن تکنولوژی های وارداتی مورد نیاز جهت گسترش صنایع
کشور گردد. در غیر این صورت و با تکیه بر پویائیهای خارجی همچون:
سرمایه گذاری های خارجی و ورود شرکتهای چند ملیتی اگرچه رسیدن به
نرخ رشد بالا نه تنها امری ممکن بلکه سریع الوصول است، اما
نتایج سوئی براقتصاد کشور خواهد داشت، آن گونه که در مورد
برزیل بوده است.

جمهوری فدرال
آلمان
انجمن انتشارات "بررسی مسائل کشور"
شماره (۸)
مترجم خواهد شد.